

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شاهرود

مدیریت تحصیلات تکمیلی

دانشکده کشاورزی

گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته اقتصاد کشاورزی

شبیه‌سازی یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه برای

اصلاحات تجاری و فقر در اقتصاد ایران

استاد راهنما:

دکتر ماشالله سالارپور

استادان مشاور:

دکتر محمود صبوحی

مهندس وحید دهباشی

تهیه و تدوین:

جعفر نجاری

آذر ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى



مدیریت تحصیلات تکمیلی

صفحه الف

این پایان نامه با عنوان: « شبیه سازی یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه برای اصلاحات تجاری و فقر در اقتصاد ایران » قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی توسط دانشجو جعفر نجاری تحت راهنمایی استاد پایان نامه آقای دکتر ماشالله سالارپور تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه زابل مجاز می باشد.

امضا دانشجو

این پایان نامه ۶ واحد واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱۲ توسط هیئت داوران بزرگتری و نمره و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
۱- استاد راهنمای اول : دکتر ماشالله سالارپور	
۲- استاد مشاور اول : دکتر محمود صبوحی	
۳- استاد مشاور دوم: مهندس وحید دهباشی	
۴- استاد داور: دکتر محمود احمدپور	
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر یوسف الهی	
۶- مدیر گروه: (مهر و امضاء) دکتر محمود صبوحی	



تقدیم بہ

پیشگاہ قطب عالم امکان، دادکستر جہان، منجی مضطعمان، مہمدی موعود،

صاحب الزمان (عج)

تقدیم بہ کویہ صبر و استقامت

پدرزحمکش و مہربانم کہ در تمامی بحطات زندگی و تحصیل را ہما و مشوق من بودہ و تمامی موفقیت ہایی کہ تا
بہ اکنون کسب کردہ ام مدیون زحمات بی سائبہ ایشان است

تقدیم بہ مادر مہربانم

آن عاشق بی ریا کہ با مہر و لطف، پرستار و جودم گشت
بر نگاہم بخت زد صحنہ خالی روحم را با مہر و عشق آشنا نمود.
مادر صبورم کہ شبی آسودہ خاطر از فردای فرزندانش نخفت.

تقدیم بہ برادران بزرگوارم بہ خاطر فداکاری ہا، صبر و سکینایی بی دریغ شان
و تقدیم بہ کسانی کہ دوستان دارم و یار و یاور من در این پایان نامہ بودند.

مشکر و قدردانی

سپاس بی‌نهایت خدای را که دریای بی‌نهایتی بخشش است و بال فضل، برکاتش گشوده و سایه لطف بر بندگان گسترده و بانمت خود، مرابه زینت ایمان آراسته و درخیمه لطف منشرل داده است. چگونه شکر او را گویم که منت را بر من تمام کرده و از سر رحمت خود، مراد زمره جویندگان علم و دانش قرار داده است. من چگونه نوای لک الحمد سردهم که این نوای ارادت، خود از بیشمار نعمت‌های اوست و محتاج لک الحمدی دیگر. تمام مباحثات من در طول تحصیل، نه دست یازیدن به درجه‌ای از دانش، بلکه فراسوی آن تلذذ نزد استادانی بوده است که خود دریایی از معرفت بودند و سهم من پرتوی از تشعشع معرفت ایشان بر اندیشه بوده است. در این رهگذر، به رسم ادب خود را ملزم می‌دانم که با تواضع تام و از صمیم قلب مشکر و سپاس خالصانه خود را از استاد راهنمای گرانقدرم آقایان دکتر ماشاله سالارپور عرضه دارم، که بدون همراهی این عزیزان هیچگاه این تحقیق به سرانجام نمی‌رسید. همچنین از استادان مشاورم آقای دکتر محمود صبوحی و مهندس وحید دهباشی که طی انجام این پژوهش یاری ام دادند تشکر کنم. از دیگر اساتید بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه زابل جناب آقای دکتر محمدی، دکتر کینجا، دکتر احمدپور و مهندس کینجا که از محضرشان استفاد کردم کمال تشکر را دارم.

و در آخر از دوستان عزیزم بادی تعمیدی، آرمین عسکری، محمدجواد مهدی زاده، عباس بیات، احمد خانلری، حمید رضا پاکشرد، حسین بدیع و تامی دوستانی که طی این مدت با شکیبایی تام از ابراز محبت و همکاری دریغ ننموده‌اند و به عناوین مختلف یار و یاورم بودند سپاسگزارم.

جعفر نجاری

آذرماه یکم هزار و سیصد و نود و یک

چکیده

در این مطالعه، اثرات کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر در چارچوب مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) که به عنوان روشی برتر جهت بررسی اثر سیاست‌ها بر کل اقتصاد شناخته شده است، صورت گرفته است. مطالعه بر پایه دو نوع داده بنا شده است. نخست ماتریس حساب‌های اقتصادی سال ۱۳۸۵ که پارامترهای مدل تعادل عمومی بر اساس آن واسنجی شده است و دوم داده‌های مربوط به مخارج ۲۰۰۰ خانوار است که به دو گروه روستایی و شهری تقسیم شده است. اثرات کاهش تعرفه بر قیمت‌های کالاهای مرکب به صورت درون‌زا در مدل تعادل عمومی تعیین شد. سپس قیمت‌های کالاهای مرکب در سطوح مختلف کاهش نرخ تعرفه‌های وارداتی جهت محاسبه شاخص‌های فقر به کار گرفته شد. چندین شاخص جهت بررسی فقر، ارائه شده‌اند که در این تحقیق از FGT که متداولتر است، استفاده گردید. نتایج مطالعه نشان داد که در سال پایه، ۲۵/۴۳ درصد خانوارهای روستایی و ۳۶/۷ درصد از خانوارهای شهری زیر خط فقر قرار دارند. همچنین نتایج مشخص کرد که دو شاخص شکاف و شدت فقر برای هر دو گروه مورد مطالعه (خانوارهای روستایی و شهری) با کاهش تعرفه‌های وارداتی بطور پیوسته کاهش می‌یابد. اما میزان بهبود در هر دو شاخص یاد شده در مورد خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری است. سرانجام اینکه با کاهش میزان تعرفه‌های وارداتی به میزان ۱۰۰ درصد، شاخص شکاف فقر در خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۴/۰۵ و ۳/۳۳ درصد کاهش می‌یابد. در صورتی که در همین سطح کاهش تعرفه، شاخص شدت فقر در جوامع روستایی و شهری به ترتیب به میزان ۴/۵ و ۴ درصد کاهش می‌یابد. اثر تمامی سطوح کاهش تعرفه (۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد) بر شاخص نسبت سرشمار فقر در خانوارهای روستایی یکسان و به میزان کمتر از ۱ درصد است. حال آنکه در خانوارهای شهری نسبت سرشمار با کاهش تعرفه به میزان ۱۰ درصد تغییر نمی‌کند و با افزایش میزان کاهش تعرفه وارداتی به میزان ۵۰ درصد نیز نسبت سرشمار فقر تنها به میزان ۰/۱۴ درصد کاهش می‌یابد اما با کاهش تعرفه به میزان ۱۰۰ درصد، این شاخص به میزان ۲/۳۲ درصد کاهش می‌یابد.

کلمات کلیدی: اقتصاد ایران، فقر، آزادسازی تجاری

فصل اول: مقدمه

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق ۳
- ۳-۱- فرضیات تحقیق ۳

فصل دوم: کلیات و مروری بر مطالعات انجام شده

- ۱-۲- مقدمه ۵
- ۲-۲- مطالعات آزادسازی، رشد اقتصادی، فقر در چارچوب تعادل جزئی ۷
- ۳-۲- برخی از مطالعات انجام شده در زمینه آزاد سازی، رشد و فقر در چارچوب تعادل عمومی ۱۴

فصل سوم: مواد و روش ها

- ۱-۳- مقدمه ۲۹
- ۲-۳- روش تعادل جزئی ۳۰
- ۳-۳- مدل تعادل عمومی ۳۱
- ۴-۳- مدل های داده-ستانده ۳۱
- ۵-۳- ماتریس حسابداری اجتماعی ۳۳
- ۱-۵-۳ ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی ۳۵
- ۶-۳- مدل قابل محاسبه تعادل عمومی (مدل بکار گرفته شده در تحقیق حاضر) ۴۲
- ۱-۶-۳ معادلات تولید و تجارت ۴۲
- ۲-۶-۳ معادلات درآمد، مالیات، پس انداز و سرمایه گذاری ۴۵
- ۳-۶-۳ معادلات تقاضا ۴۷
- ۴-۶-۳ معادلات قیمت ۵۰
- ۵-۶-۳ شرایط تعادل ۵۱
- ۷-۳-۷ خط فقر و شاخص های اندازه گیری آن ۵۲
- ۱-۷-۳ مبانی تئوری شاخصهای فقر ۵۳
- ۲-۷-۳ شاخص FGT ۵۴
- ۳-۷-۳ منابع آماری داده ها ۷۴
- ۱-۳-۷-۳ جدول داده - ستانده ۵۸
- ۲-۳-۷-۳ ماتریس حسابداری اجتماعی ۶۰

فصل چهارم: نتایج و بحث

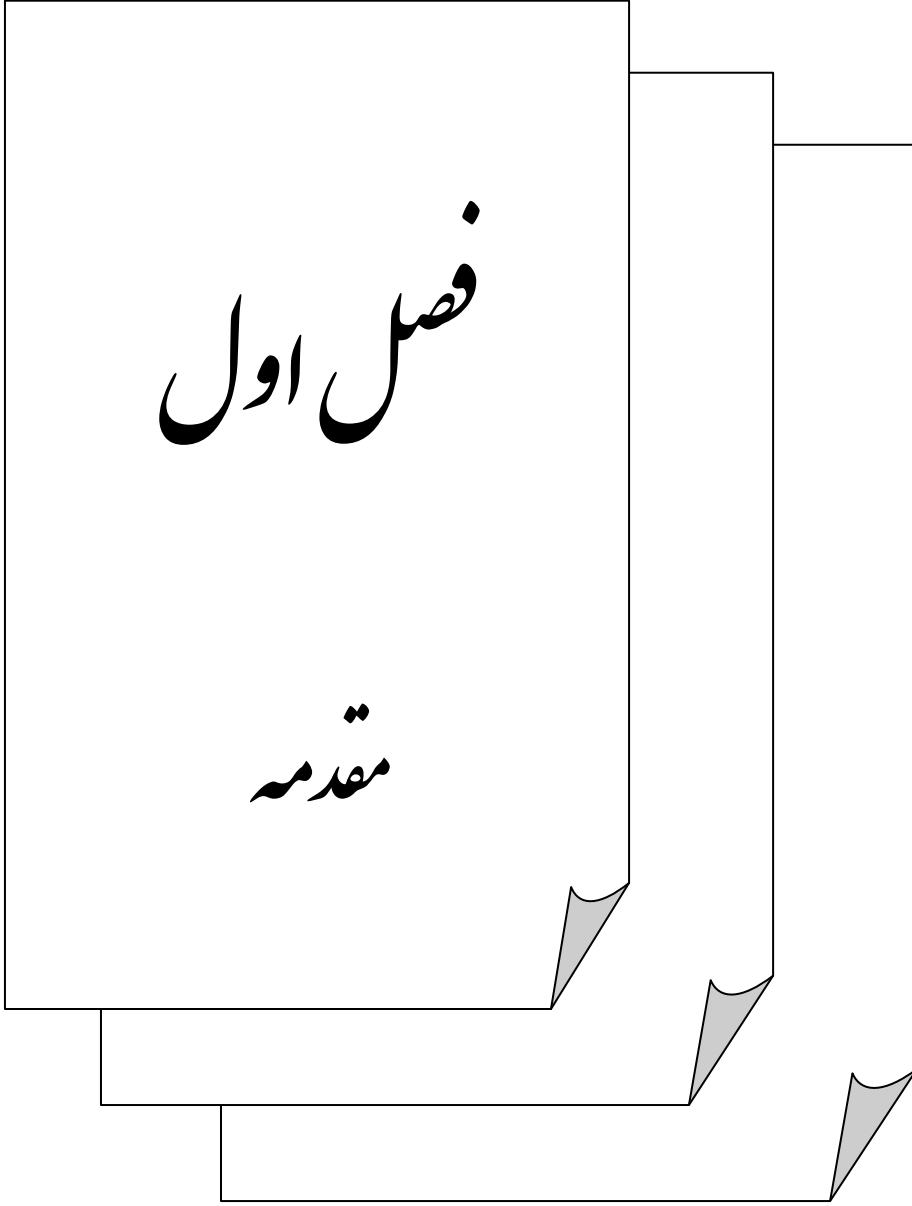
- ۱-۴- مقدمه ۶۵
- ۲-۴- کالیبراسیون ۶۵
- ۳-۴- سیاست کاهش تعرفه های وارداتی ۷۱
- ۴-۴- درصد افراد فقیر، شکاف و شدت فقر در ایران ۷۲
- نتیجه گیری و پیشنهادات ۸۱
- منابع و مآخذ ۸۶

جدول ۱-۳	: شکل خلاصه شده ماتریس حسابداری اجتماعی.....	۳۶
جدول ۲-۳	: داده ستانده سه بخشی محاسبه شده سال ۱۳۸۵.....	۵۹
جدول ۳-۳	: ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ برای ایران.....	۶۱
جدول ۴-۳	: ساختار کلی ماتریس حسابداری اجتماعی.....	۶۳
جدول ۱-۴	: حداقل مصرف فیزیکی برای دو گروه خانوار.....	۶۶
جدول ۲-۴	: سهم مصرف خانوارها، دولت و سرمایه‌گذاران از کالاها به درصد.....	۶۷
جدول ۳-۴	: میل نهایی به مصرف خانوارها.....	۶۸
جدول ۴-۴	: کشش‌های جانشینی استفاده شده در این تحقیق.....	۶۹
جدول ۵-۴	: مقدار واردات و تعرفه در هر یک از سه بخش (میلیارد ریال).....	۷۲
جدول ۶-۴	: سهم حداقل مصرف خانوارها از کالاها.....	۷۴
جدول ۷-۴	: خط فقر و شاخص‌های FGT سال ۱۳۸۵.....	۷۵
جدول ۸-۴	: اثرات کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر مناطق شهری.....	۷۶
جدول ۹-۴	: اثرات کاهش تعرفه‌های وارداتی بر شاخص‌های فقر مناطق روستایی.....	۷۸

شکل ۳-۱: اندازه گیری فقر افراد..... ۵۶

فصل اول

مقدمه



۱-۱- تعریف مساله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

جهانی شدن رویکردی است که در دهه ۱۹۹۰ رواج یافته، اما بحث آن از حدود سال ۱۹۶۰ مطرح بوده است. فرآیند جهانی شدن سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر می‌گیرد و حوزه اقتصادی آن پس از جنگ جهانی دوم شروع شده بود. در همین راستا سازمان‌هایی مثل گات^۱ (GATT) و پس از آن سازمان تجارت جهانی^۲ (WTO) گسترش یافت. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت بر پایه دو اصل بنیادی: صرفه‌های حاصل از تجارت آزاد مبتنی بر نظریه مزیت نسبی و چند جانبه‌گرایی استوار است. هر دو اصل، ریشه در نظریه و عمل اقتصاد سیاسی دارند (محمدقلی نیا و مسائلی، ۱۳۷۸).

البته نقش سیاست تجاری در توسعه اقتصادی بحث کلیدی در ادبیات توسعه در نیمه دوم قرن بیستم بوده است. بطوری که باور غالب در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی توجه به جانشینی واردات و در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی توجه به ترویج و تشویق صادرات و نظر به خارج بوده است (Greenway et al., 2002).

یکی از نکات مهم، نحوه تعریف فقر است. با توجه به اینکه در بررسی اثر آزادسازی بر گروه‌های فقیر، ابتدا باید سطحی از مخارج بعنوان حداقل لازم در ارزیابی نتایج مورد استفاده قرار گیرد، به همین دلیل نحوه ارزیابی اثر یاد شده می‌تواند از میزان مخارج حداقل متأثر شود. بر اساس تعریف Khan در سال ۲۰۰۵، درک عمومی این است که فقر زمانی وجود دارد که یک گروه از مردم در یک جامعه خاص نمی‌توانند حداقل سطحی از رفاه را بدست آورند این حداقل کوچکترین اندازه‌ای است که بستگی به استانداردهای متداول آن جامعه دارد. طبق تعریف سرینویسن در سال ۲۰۰۰، افراد فقیر به افرادی اطلاق می‌شوند که قادر به تأمین غذا، پوشاک و مسکن در سطح حداقل

1 - General Agreements on Trade and Tariff (GATT)

2 - World Trade Organization

نیستند. همچنین طبق تعریف وی اگر میزان کالری دریافتی فردی از کالری مورد نیاز برای تأمین سلامتی، کمتر باشد، وی فردی مبتلا به سوءتغذیه خواهد بود.

به طور کلی می‌توان دو نوع خط فقر را برای مطالعه در نظر گرفت که یکی خط فقر مطلق و دیگری خط فقر نسبی است. خط فقر مطلق بر اساس تعریف عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد لازم است. خط فقر نسبی نیز بصورت درصد معینی از میانه یا میانگین درآمد جامعه و یا به شکل یک مرز درآمدی تعریف می‌شود (Thorbecke., 1997).

ایران در طول نیمه دوم قرن بیستم و بویژه بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۸ استراتژی توسعه را با هدف کاهش فقر در پیش گرفت. مطالعات نشان می‌دهد که در طول این دوره نابرابری توزیع درآمد و مصرف و فقر افزایش داشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ برنامه کاری جدید با وعده‌های عدالت اجتماعی و استراتژی توسعه بر مبنای رفاه اجتماعی- اقتصادی بکار گرفته شد اما با شروع جنگ در سال ۱۳۵۹ تا پایان آن دولت با پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ مثل تورم، کاهش درآمدهای نفتی و به دنبال آن رکود در تولید مواجه شد. پس از پایان جنگ که سیاست‌های توزیع درآمد عملاً بی برنامه بود، دولت با پذیرش کاهش نقش دولت و روی آوردن به اقتصاد بازار آزاد و با شروع به گفتگو با صندوق بین‌المللی پول^۱ (IMF) و بانک جهانی^۲، برنامه رسمی آزادسازی و بازار مبادله خارجی و خصوصی‌سازی اقتصاد، گام به عرصه جدیدی از توسعه نهاد (اسدزاده و پاول، ۲۰۰۱).

در مجموع اثرات احتمالی ناشی از اجرای کاهش تعرفه‌های وارداتی در میان گروه‌های فقیر از جمله موارد نگران‌کننده‌ای است که لازم است قبل از اجرا، بررسی‌های جامعی در مورد آن صورت گیرد. در همین راستا در این پژوهش سعی شده پیامدهای ناشی از اثر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر

1 - International Monetary Fund

2 - World Bank

گروه‌های فقیر شهری و روستایی با استفاده از چارچوب تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به مطالب ذکر شده سؤالات اصلی در این مطالعه عبارتند از:

- آیا کاهش تعرفه‌های وارداتی، باعث کاهش فقر در اقتصاد ایران می‌شود؟
- اثر اصلاحات تجاری (کاهش تعرفه‌های وارداتی) بر شاخص‌های مختلف فقر چگونه است؟
- آیا اثر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در مناطق روستایی و شهری یکسان می‌باشد؟

۱-۲- اهداف تحقیق

درک صحیح از اثرات سیاست‌های اصلاحات تجارت از آن جهت که با گروه‌های آسیب پذیر فقرا در کشورهای در حال توسعه سروکار دارد اهمیت زیادی پیدا می‌کند. در این راستا با توجه به اهمیت فقر در کشور و توجه به این گروه از مردم، اهداف زیر در این مطالعه دنبال می‌شود:

- محاسبه خط فقر و میزان فقر در مناطق شهری و روستایی ایران
- بررسی تاثیر کاهش تعرفه با نرخ‌های متفاوت ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد بر شدت و شکاف فقر در مناطق شهری و روستایی

۱-۳- فرضیات تحقیق

- کاهش تعرفه‌های وارداتی، باعث کاهش فقر در اقتصاد ایران می‌شود.
- اثر اصلاحات تجاری (کاهش تعرفه‌های وارداتی) بر شاخص‌های مختلف فقر یکسان نیست.
- اثر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر فقر در مناطق روستایی و شهری یکسان نمی‌باشد.

فصل دوم

مروری بر مطالعات

انجام شده

۲-۱- مقدمه

آزادسازی تجاری طی دهه‌های اخیر، همواره بعنوان مقوله‌ای مهم مورد توجه اقتصاددانان برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران کشورهای مختلف جهان بوده است. مطالعات متعدد کوشیده‌اند تا ابعاد مختلف آزادسازی را مورد ارزیابی قرار دهند. این مطالعات حاکی از حرکت کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به سمت آزادی بیشتر تجارت است. Adam Smith از اقتصاددانان بنام مکتب کلاسیک، تجارت خارجی را ابزاری جهت وسعت بازار داخلی، تقسیم کار و افزایش تولید می‌دانست. Rabertson تجارت را موتور رشد می‌دانست. Nyrks، بازرگانی در اروپای قرن نوزدهم را موتور رشد این دسته از کشورها می‌نامید. Marshall عواملی را که بر روی رشد اقتصادی ملل مختلف تأثیرگذار بودند، در چارچوب مطالعه تجارت بین‌الملل لحاظ کرده است. نرکس، در نظریه رشد متعادل اقتصادی و دور باطل فقر، یکی از راه‌های شکست این دور را گسترش بازار می‌داند. بر طبق این نظریه یکی از راه‌های گسترش بازار نیز از بین بردن موانع تجاری می‌باشد.

در کنار نظریات یاد شده، نظریه‌های مخالفی نیز وجود دارد که وابستگی به تجارت خارجی را بعنوان یکی از عوامل مشترک عقب‌ماندگی کشورهای در حال توسعه می‌دانند. بر اساس این نظریه، این گونه کشورها با تکیه بر صادرات مواد اولیه و واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای باعث می‌شوند که شکاف میان اغنیا و فقرا بیشتر شود. بطوریکه به عقیده Myrdal تجارت خارجی یک نوع اثر بازدارنده در راه توسعه کشورهای در حال توسعه است. وی بر این باور است که تجارت در کشورهای توسعه نیافته به مثابه یک نیروی بالقوه قدرتمند در جهت منافع اغنیا و مناطق پیشرفته عمل می‌کند و این به زیان مناطق فقیرتر است (قره باغیان، ۱۳۷۶).

علی‌رغم وجود نظریه‌های متفاوت پیرامون اثر گسترش تجارت خارجی، بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در درازمدت، اقتصادهای باز بهتر از اقتصادهای بسته عمل می‌کنند و سیاست‌های نسبتاً باز، کمک مهم و معنی‌داری به توسعه می‌کنند. و بطور کلی نظری اقتصادی از سیاست‌های آزادسازی تجاری حمایت می‌کند (Winters and *et al.*, 2004). بنظر می‌رسد یکی از دلایل وجود اختلاف نظر پیرامون اثرات آزادسازی، تفاوت در یافته‌های مطالعات می‌باشد. یافته‌های مطالعات در رابطه با اثر آزاد سازی بر جنبه‌های مختلف اقتصاد به طور کامل با تئوری آزادسازی تجاری سازگار نیستند. بعنوان مثال، تاکنون رابطه مثبت آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی با قاطعیت تأیید نشده است و بسته به نوع داده‌ها و شرایط مختلف کشورها و روش تحقیق استفاده شده، نتایج بدست آمده با هم متفاوت بوده است (Greenaway and *et al.*, 2002). همچنین بیشتر مفسران اقتصادی، واژه دارند که در کوتاه مدت با یک گام به جلو آزادسازی تجاری وضع فقرا در اقتصاد بدتر شود و حتی در بلندمدت با وجود گسترش رژیم‌های باز هنوز تعداد زیادی از مردم پشت خط فقر باقی بمانند (Winters and *et al.*, 2004). به منظور تحقیق بیشتر در این قسمت به مطالعاتی که در زمینه‌ی آزادسازی تجاری و فقر که با استفاده از روش‌های تعادل جزئی و تعادل عمومی انجام شده است پرداخته می‌شود. در ضمن در حین بررسی مطالعات انجام شده بیشتر به مزایا و معایب هر دو روش آشنا خواهیم شد. به این منظور مطالعات را به دو صورت متمایز تعادل جزئی و تعادل عمومی آورده شده است.

این فصل را با مروری بر مطالعات تعادل جزئی در رابطه با آزادسازی با این سؤال اساسی پی می‌گیریم که آیا آزادسازی تجاری، محرکی برای رشد و افزایش پایدار بهره‌وری منابع اقتصادی و در نتیجه کاهش فقر می‌باشد یا نه؟

۲-۲- مطالعات آزادسازی، رشد اقتصادی و فقر در چارچوب تعادل جزئی

بر مبنای نظریه اقتصادی، انتظار بر این است که آزادسازی تجاری محرکی برای رشد اقتصادی باشد، به طوری که در میان مدت رشد اقتصادی را از طریق افزایش بهره‌وری عوامل تولید و در درازمدت از طریق افزایش دسترسی به تکنولوژی و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و تولید در مقیاس وسیع افزایش دهد. آزادسازی می‌تواند از طریق ایجاد انعطاف متکی بر علایم بازار و جلوگیری از تحریف در قیمت‌ها (توسط دولت) انتظارات فوق را تحقق بخشد (Winter., 2002).

متأسفانه تحقق هیچ یک از این دستاوردها قابل تضمین نیست یعنی در حضور آزادسازی، تضمینی وجود ندارد که رشد و بهره‌وری عوامل به طور قطع اتفاق افتاده باشد (D. Rodrik., 2001). به سه دلیل بررسی مبنای ارتباط یا پیوند تجربی بین آزادسازی تجاری و رشد با مشکل روبرو است: نخست این که به سختی می‌توان موانع تعرفه‌ای را به صورت یک واحد کمی اندازه‌گیری و آنها را با یکدیگر ادغام و در نهایت معیاری برای ارزیابی مورد محاسبه قرار داد (Winter et al., 2004).

دوم، به راحتی نمی‌توان شاخصی را انتخاب و آن را بیانگر میزان باز بودن اقتصاد تلقی نمود و بر این اساس به رابطه علی میان باز بودن تجاری و رشد و یا هر متغیر دیگر اقتصاد کلان پرداخت. در این ارتباط اشراقی و سلامی در سال ۱۳۷۹ عنوان می‌کنند که شاخص‌های آزادی تجاری می‌تواند بطور مستقیم از نرخ‌های تعرفه استخراج شود و یا از آمار مربوط به متغیرهایی که در ارتباط با آزادی تجاری هستند، بدست آید. از جمله شاخص‌های غیرمستقیم آزادی تجاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شاخص نسبت تجارت (صادرات+ واردات) به تولید ناخالص داخلی با قیمت‌های ثابت، شاخص دیگر مقایسه قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرزی کالاهای مشابه که آمار مورد نیاز برای این شاخص بسیار گسترده است. لذا موجب عدم رغبت به استفاده از آن می‌شود و همچنین شاخص دیگر نرخ مبادله ارز در بازار سیاه است که افزایش آن شدت محدودیت‌های تجاری را نشان می‌دهد. بدین ترتیب مشاهده

می‌شود که تنوع در شاخص‌ها و همچنین مشکل اندازه‌گیری آنها، تکیه بر یک شاخص مشخص را برای مطالعه دشوار می‌سازد.

سوم، این که بپذیریم یک رابطه درازمدت پویا و پایدار بین رشد و آزادسازی وجود دارد، مشروط بر این است که حضور سایر عوامل مؤثر بر رشد، نظیر سرمایه فیزیکی و انسانی همگام و همراه با آزادسازی را نیز مسلم فرض کنیم (Winter et al., 2004). پاره‌ای از مطالعات مثل Taylor در سال ۱۹۹۸ و Romin در سال ۲۰۰۱ بر این باورند که علی‌رغم وجود شرایط یکسان از نظر آزادسازی، تفاوت در رشد میان کشورها عمدتاً به دلیل تفاوت در میزان حضور عوامل مذکور در کنار آزادسازی بوده است. مضافاً این که، بیان صریح این مطلب به دلیل ماهیت مدل‌های رگرسیونی تعادل جزئی از قطعیت پایینی برخوردار است (Greenaway and et al., 2002)، زیرا با اتکا به یک مدل تعادل جزئی، نمی‌توان میزان مساعدت عوامل یاد شده به آزادسازی تجارت و در نهایت به رشد را به طور دقیق و مشخص بیان کرد.

در ادبیات توسعه اقتصادی، مطالعات زیادی بر اساس داده‌های کشوری و بین کشوری در خصوص ارتباط میان سیاست‌های تجاری و رشد اقتصادی کشورها صورت گرفته است. یافته‌های بدست آمده یکسان و قطعی نیستند علاوه بر چنین شواهد متعارفی، حتی همبستگی‌های مثبت متغیرهای تجاری و رشد اقتصادی به شیوه‌های مختلفی تفسیر شده است. رحیمی بروجردی در سال ۱۳۸۳، اثر تعرفه را بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۷۷-۱۳۴۰ در قالب دو سناریو مختلف مورد بررسی قرار داد. در سناریوی اول فرض شد که نرخ پیشرفت فن‌آوری معادل دو درصد و نرخ استهلاک معادل ده درصد است و در سناریوی دوم نرخ پیشرفت فن‌آوری دو درصد و استهلاک پنج درصد در نظر گرفته شد. نتایج سناریوی اول نشان داد که اثرات نرخ تعرفه بر رشد اقتصادی با کاهش کشش جایگزینی، افزایش می‌یابد. برای مثال با کشش جایگزینی ۲ درصد و نرخ استهلاک ۱۰ درصد، یک تعرفه ۶۰ درصدی،

نرخ رشد اقتصادی را کمتر از یک درصد (حدود ۰/۸۹ درصد) کاهش می‌دهد. نتایج سناریوی دوم نشان داد نرخ استهلاک پایین‌تر، تاثیر منفی تعرفه بر رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. به عنوان نمونه با کاهش جایگزینی ۲ درصد و نرخ استهلاک ۵ درصد، یک تعرفه ۶۰ درصدی نرخ رشد اقتصادی را ۰/۵۹ درصد کاهش می‌دهد. همچنین میزان تاثیر نرخ تعرفه بر رشد اقتصادی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی به دلیل تفاوت در درجه باز بودن اقتصاد و نرخ رشد جمعیت، متفاوت بوده است اما در هر دو دوره آثار کاهش تعرفه بر رشد اقتصادی ایران مثبت و مؤثر بوده است. Greenaway and *et al* در سال ۲۰۰۱، با مطالعه آزادسازی تجاری در ۷۳ کشور در حال توسعه با داده‌های پانل و با استفاده از شاخص نرخ مبادله (TTI)^۱ و شاخص سالهایی که آزادسازی صورت گرفته (LIB)^۲ بر رشد اقتصادی نشان دادند که اگرچه نرخهای تعرفه اسمی در کشورهای منتخب بصورت متفاوت تغییر کرده است اما اثر آزادسازی بر رشد در همه کشورها مثبت بوده است.

مطابق برخی از مطالعات، بدنبال آزادسازی و افزایش رشد اقتصادی از طریق افزایش بهره‌وری عوامل تولید می‌توان فقر را نیز کاهش داد. البته ناگفته نماند که این شیوهی بررسی اثرات آزادسازی، به دلیل عدم توجه به اثرات توزیعی رشد بهره‌وری از استنباط قوی برای تحلیل فقر برخوردار نیست. ارتباط میان تجارت بین‌الملل و بهره‌وری را می‌توان از طریق نیروهای رقابتی نیز توضیح داد. از آن جایی که بازکردن اقتصاد به روی تجارت خارجی به رقابت بیشتر می‌انجامد آثار مثبتی بر سطح بهره‌وری کشورهای در حال توسعه و کیفیت و تنوع محصولات آنها دارد. همچنین ارتباط بین آزادسازی تجاری و بهره‌وری در مطالعات بین بخشی در داخل کشورها نشان داده است که کاهش در موانع تجاری به افزایش معنی‌داری در بهره‌وری منجر می‌شود، چرا که رقابت در واردات افزایش می‌یابد. برای مثال مطالعه‌ی D. Hay در سال ۲۰۰۱، و در ایران مطالعه مهرآرا و محسنی در سال ۱۳۸۳، نشان داد که

1- Terms of Trade Index

2- Dummy Capturing Liberalization Episode

سطح رشد بهره‌وری در ۹ بخش صنعتی از جمله صنایع مواد غذایی، صنایع نساجی و غیره با پذیرش سیاست‌های آزادسازی پس از سال ۱۳۶۸ در ایران، سطح بهره‌وری را به میزان ۹/۳ درصد افزایش داده است.

اگر این فرض که آزادسازی تجاری، بهره‌وری کل عوامل^۱ را افزایش می‌دهد پذیرفته شود، آنگاه به موازات افزایش آزادسازی تجاری، اشتغال کاهش می‌یابد زیرا می‌توان بهره‌وری را به صورت کاهش استفاده از عوامل تولید از جمله نیروی کار جهت دستیابی به سطح مشخص از محصول نیز تعبیر نمود و به اعتبار این تحلیل، آزادسازی در کوتاه مدت منجر به کاهش اشتغال و البته کاهش اشتغال می‌تواند منجر به افزایش فقر شود. اما مطالعات انجام شده در رابطه با جهانی شدن و اثرات آن روی اشتغال نشان دادند که با گسترش آزادسازی تجاری هر دو حالت افزایش و کاهش بیکاری امکان وقوع دارد. بعنوان مثال، مطالعه رمضان پور در سال ۱۳۸۴، که به بررسی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سطح اشتغال (نرخ بیکاری) در ۱۸ کشور پرداخت، وجود هر دو حالت کاهش و افزایش اشتغال را نشان داد. این بررسی با استفاده از سه شاخص نسبت تجارت (صادرات + واردات) به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ به تولید ناخالص داخلی (GDP) و با روش محاسبه ضریب همبستگی پیرسون برای یک دوره زمانی بیست ساله صورت گرفت. نتایج این بررسی نشان داد کشورهایمانند تایلند، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مالزی و کره جنوبی که رشد جهانی شدن اقتصاد در آنها بیشتر بوده، کاهش نرخ بیکاری داشته‌اند. از سوی دیگر در برخی از کشورها مانند مراکش، آرژانتین، فیلیپین، آفریقای جنوبی و تونس، علی‌رغم افزایش نرخ یکپارچگی آنها با اقتصاد جهانی، نرخ بیکاری آنها هم افزایش داشته و هم در سطح بالایی بوده است.

1- Total Factor Productivity

2- Foreign Direct Investment